

دولت جمشیدی

در ستایش شمایل شکوهمند
سینمای ایران

فرزاد نعمتی

خبرنگار گروه فرهنگ

نمی دانم تصاویر جدید جمشید هاشمپور را دیده‌اید یا نه؟ تماشای ورزشی تن و آمادگی بدن این بازیگر ۸۱ ساله، چنان لذتی به آدمی می‌دهد که نگویند و نپرس. مثل همیشه با همان غرور نجیبانه‌ای که ته چشمانش سوسو می‌زند، نشست، برویی بالا انداخته و اخمی نثار دوربین کرده. بیشتر از همه اما در این عکس دارد به دنیا می‌خندد انگار. حق هم دارد. اصلاً یکی پیدا شود که حق داشته باشد به این دنیا و بالاپایین‌های مسخره‌اش بخندد، همین جناب است. زمانی در دهه ۱۳۶۰ با فیلم‌هایی چون «عقاب‌ها» و «تاراج»، شهرتی پیدا کرده بود که نگو و نپرس. یک ملت بود و یک جمشید آریا. «عقاب‌ها» در طول ۲۰ سال بعد از ساخته‌شدنش، بیش از ۱۰ میلیون بلیت فروخت. باورتان می‌شود؟ شاید بگویید همه‌اش که برای شهرت هاشمپور نبود. اشتباه هم نمی‌گویید. سعید راد، هم مشهورتر بود، هم نقش اول آن فیلم. اما دیگر «تاراج» را که نمی‌شود پای جمشید آریا ننوشت. زینال بندری با آن کله‌تراشیده، شده بود قهرمان اول مردمی که در آن دهه پُرشده از آ زیر خطر و سوت‌موشک، دل‌شان سوپرستاری می‌خواست که قوی باشد، بجنگد، پا پس نکشد و حتی اگر اول فیلم آدم بد داستان باشد، باز بتوان روی بازگشت‌اش و آدم‌شدن‌اش حساب کرد. دنیای آن‌روزها دو قطب خیر و شر تعریف می‌کرد و هنوز این قدر خاکستری‌دین جهان مُد نشده بود. جمشید آریا، عقاب‌تیز بر آسمان چنین عالمی بود.

موفقیت «تاراج» اما کارگردان و نقش اول فیلم را گرفتار کرد. ایرج قادری ۱۰ سال از فعالیت منع شد تا بعدتر با ۱۰ جور واسطه‌تراشی، با زبان بی‌زبانی و با کارگردانی فیلم «می‌خواهم زنده بمانم»، بگوید کاری جز فیلم‌ساختن بلد نیست و بدون سینما، نفس نمی‌تواند کشید. کله‌تراشیده جمشید آریا هم از نظر آقایان انگار کفر ابلیس بود؛ نمادی از بازگشت فیلم‌فارسی به سینما و ترویج ابتدال. این بود که یک‌سال بعد، او را نیز از فعالیت سینمایی محروم ساختند. خبر آمد که مخملیاف که آن روزها داعیه سینمای مذهبی داشت و حاضر نبود حتی با کیمیاوی و مهرجویی هم در لانگ‌شات بایستد، گفته بود: «هاشمپور زیادی داشت پرواز می‌کرد، لازم بود بال‌هایش را بچینیم!». نه که فقط به همین حرف و نقل مخملیاف باشد، اما خب چندسالی از سینما دورش کردند. برای جمشید آریا اما چنین موانعی، اسم‌شان مشکل نبود. خیلی راحت چسبید به کاری دیگر. نه توبه‌نامه نوشت، نه دست‌به‌امان این و آن شد. یک لقمه نان حلالی را که باید به خانه می‌برد، در شغلی دیگر پیدا کرد و برد سر سفره با خانواده‌اش نوش جان کرد.

داستان برگشت‌اش به سینما هم جالب شد. کیانوش عیاری برای فیلم «روز باشکوه»، آنقدر به مسئولان ارشاد اصرار کرد تا پذیرفتند هاشمپور به سینما بازگردد. بازگشت و باز آرام و صبور کار خودش را انجام داد. چندسال بعد البته دیگر جرأت نمی‌کرد سرش را برای فیلم «قافله» بترشد. با وعده تهیه‌کننده فیلم‌اش راضی شد و البته خوشبختانه این بار دیگر در بر همان پاشنه قبلی نچرخید. ماند و باز مردم را به وجود قهرمان کم‌حرف‌شان دلگرم کرد. در ادامه اما آس دیگری هم رو کرد و شروع کرد به بازی در فیلم‌های به‌اصطلاح آن روزگار «هنری». اینجا هم همان جور درخشید که در آن اکتشن‌های حادثه‌ای. با این موفقیت، دهان منتقدانش را نیز بست. همان‌ها که فکر می‌کردند این جنگ‌ولک‌بازی‌ها اسم‌اش هنر نیست و با این شبهه‌استدلال‌ها، هاشمپور را کوبیدند، کم‌کم دیدند که ای داد، او در «هیوا» و «واکنش پنجم» چنان دوربین را تسخیر می‌کند که برای خیلی از مدعیان تئاتری سینمای ایران نیز چنین لحنی به آرزو می‌ماند. همو که خاک صحنه تئاتر نخورده بود و سینما را به سینما شروع کرده بود، در تمام این دهه‌ها گزیده‌کارتر از همیشه، به قانون وجدان خود عمل کرد و به‌قول قدیمی‌ها نان قلاب‌اش را خورد. یکی از سالم‌ترین و بی‌حاشیه‌ترین بازیگران سینمای ایران که حالا در مروری تاریخی، باید او را و شمایل شکوهمند از قهرمانی قابل ستایش دانست. گویی او در تمام این سال‌ها خودش را بازی کرده بوده و اینک وقتی او را در آستانه دهه نهم زندگی‌اش چنین شاداب می‌بینیم، فقط می‌توانیم بگوییم جناب نظامی گنجوی با همه قدرت قلم‌اش، این یکی را نخوانده و ندیده بود که سرود: «دولت اگر دولت جمشیدی است / موی سپید آیت نومی‌ای است».

۱۶
۲۴ ساعت
24 HOURShammihanmedia@gmail.com
@Hammihanonline

• صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی
• مشاوران: عباس عیدی و احمد زیدآبادی
• سردبیر: محمدجواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیر • دبیر آنلاین: شبنم رحمتی
• دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیراداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۵۰۲۹ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۰۲۰ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
• لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰



روزگار غزه در کن

سینماگران در مهم‌ترین جشنواره فیلم جهان
به جنایات اسرائیل واکنش نشان دادند

سوسن سیرجانی

خبرنگار گروه فرهنگ

احتیاجی به بیان این مسئله نیست که جشنواره جهانی فیلم کن در دنیا از چه اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. اتفاقاتی که طی سالیان در این جشنواره افتاده و واکنش‌های جهانی نسبت به آن، همیشه در مرکز توجه رسانه‌ها بوده. اما امسال هفتادوهمین دوره برگزاری این جشنواره، در سایه موضوع فلسطین و نسل‌کشی در غزه قرار گرفته. در دوره‌های پیش هم بسیاری از سینماگران مخالف این جنگ، در تلاش بودند که مردم جهان را از این حادثه آگاه کنند، اما شهادت فاطمه حسونه، سوزۀ اصلی یک مستند درباره مردم غزه، پیش از شروع کن، شکل دیگری به این ماجرا داد. دو فیلم دیگر با موضوع غزه در جشنواره امسال کن حضور دارند و از طرفی واکنش‌ها نسبت به این اتفاق و نامه‌های اعضای قدیمی کن، مسئله فلسطین را به موضوع اصلی این دوره از جشنواره تبدیل کرده است.

تاریخچه حضور فلسطین در کن

با وجود آن که از سال ۱۹۷۸ تا ۲۰۱۸ در مدت ۴۰ سال، ۱۸ فیلم از کشور فلسطین در جشنواره کن حضور داشت، اما برای اولین بار از سال ۲۰۱۸ در فستیوال کن پرچم این کشور برافراشته شد و جایگاه و غرفه مشخصی برای فیلمسازان فلسطینی در نظر گرفته شد. در همین سال منال عیسی، بازیگر لبنانی-فرانسوی هم‌روی فرش قرمز دست‌نوشته‌ای را با این مضمون بالای سر برد که روی آن نوشته شده بود: «جنگ در غزه را متوقف کنید». این اتفاقات باعث جلب توجه هر چه بیشتر جهان نسبت به کشتار در غزه شد. برافراشته‌شدن پرچم فلسطین در سال ۲۰۱۸ بلافاصله پس از حمله نظامیان صهیونیست به تظاهرات کنندگانی بود که از انتقال سفارت آمریکا به قدس معترض بودند. در این حمله بیش از ۶۰ فلسطینی کشته شدند.

از اکتبر ۲۰۲۳ که مصادف با مهرماه ۱۴۰۲ بود، نظامیان اسرائیل حملات جدید و گسترده‌ای را به نوار غزه شروع کردند که طی یک‌سال‌ونیم گذشته، جنایات فجیعی را در این منطقه رقم زدند. در پی این حملات جدید و انتشار فیلم‌های این حملات در فضای مجازی، جامعه جهانی به آن واکنش‌های زیادی نشان داد. اما فستیوال کن، به‌دلیل شعاری که مبنی بر پیوند کشورها و فرهنگ‌های مختلف به‌واسطه سینما دارد، با تازبات‌دهنده این جنایات بود. هنوز در خاطر بسیاری از سینماگران جهان باقی‌مانده که کیت بلانشت در فرش قرمز جشنواره کن سال ۲۰۲۴، با لباسی حضور پیدا کرد که پرچم فلسطین منقوش شده بود و عکس‌های آن به‌سرعت در سراسر جهان دست‌به‌دست شد.

یک فیلم و شهادت سوزۀ اصلی آن

شدت جنایات اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی و غزه در یک‌سال اخیر به‌اندازه‌ای است که طبق یک تحقیق در هر روز و هر ساعت، تعداد زیادی کودک وزن در این منطقه به شهادت می‌رسند. هر روز نهادهای صلح در حال هشدار دادن این جنایات هستند اما گوش اسرائیل و قدرت‌های جهانی به این موضوع بدهکار نیست. در این میان اتفاقی که تنها چندروز قبل از شروع کن امسال افتاد، باعث شد که دوباره این جنگ در غزه موردتوجه جامعه جهانی مخصوصاً سینماگران دنیا قرار بگیرد. این اتفاق، شهادت سوزۀ اصلی مستندی درباره غزه، ساخته سپیده فارسی به‌نام «روح‌را در دست بگیر و قدم بزن» بود. این مستند براساس زندگی یک زن عکاس فلسطینی که در غزه زندگی می‌کرد، ساخته‌شده بود. زنی به‌نام فاطمه حسونه که تنها ۲۴ سال سن داشت و با پوشش تصویری تأثیر حملات نظامی اسرائیل به مردم غزه، توجه جهانی را به خود جلب کرد. سپیده فارسی حتی توانسته بود او را از نزدیک ببیند و تا ماس تصویری، بیشتر داستان زندگی او را جلو ببرد بود.

فارسی در مصاحبه‌ای گفته بود که در مصر و به‌واسطه یک دوست، با فاطمه

آشنا شده. فاطمه در بخش‌هایی از مستند که منتشر شده بود، یکی از آرزوهایش را نجات پیدا کردن از شرایطی که در آن بود، عنوان کرده بود. این فیلم قرار بود در ۱۵ می یعنی ۲۷ اردیبهشت‌ماه در فستیوال کن برای اولین بار به نمایش در بیاید. ۱۶ آوریل طی بمباران شهر غزه، فاطمه حسونه و ۹ عضو خانواده‌اش شهید شدند. این اتفاقی ابعاد رسانه‌ای گسترده‌ای پیدا کرد و واکنش‌های زیادی را به دنبال داشت.

واکنش‌ها و نامه سینماگران

در همان روزی که فاطمه کشته شد، در بیانیه منتشرشده از سوی تیم برگزارکننده بخش «ACID» جشنواره کن که فیلم در آن بخش حضور داشت، فیلمسازان حاضر در این بخش اعلام کرده بودند: «با شوک و باخبر شدیم که موشکی اسرائیلی، ساختمانی را هدف قرار داد که منجر به کشته‌شدن فاطمه و خانواده‌اش شد. ما فیلمی را تماشا کردیم و در برنامه گنجاندیم که در آن، نیروی حیات این زن جوان همچون معجزه‌ای بغیر می‌رسید. اکنون این دیگر همان فیلمی نیست که قصد داریم از آن حمایت کرده و آن را در سینماها -از جمله در کن- به نمایش بگذاریم. همگی ما -فیلمسازان و تماشاگران- باید شایسته‌تر نور او باشیم.» در ادامه این بیانیه آمده است: «بلخندش به همان اندازه جادویی بود که استقامت‌اش. او در حالی که زیر بمباران بود، از غزه عکس می‌گرفت، غذا توزیع می‌کرد و با سوگواری و گرسنگی می‌جنگید. ما داستان‌ش را شنیدیم، از دیدنش شاد می‌شدیم و همواره نگران او بودیم.»

فیلم «روح‌را در دست بگیر و قدم بزن»، روز شنبه در فستیوال کن به نمایش درآمد و با واکنش مثبت منتقدان روبه‌رو شد. اما چندساعت قبل از اکران این فیلم، نامه‌ای در فضای مجازی منتشر شد که توجه جامعه جهانی و حاضران در فستیوال کن را بیشتر به این موضوع جلب کرد. کن لوچ و پل لاورتی، از سینماگران مشهور قدیمی و برندگان دو نخل طلا از جشنواره کن، نامه سرگشاده‌ای را در حمایت از این فیلم منتشر کرده‌اند.

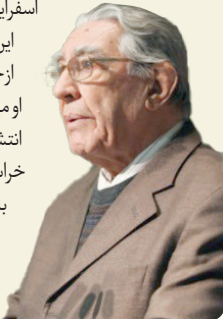
لوچ و لاورتی در ابتدای این نامه به این موضوع اشاره کردند که فاطمه حسونه پس از مرگ، به گروهی پیوسته است که گزارشگران بدون مرز آن را «قتل عام» روزنامه‌نگاران می‌نامند؛ قتل عامی که تاکنون به مرز ۲۰۰ نفر در ۱۸ ماه گذشته رسیده است. آنها در ادامه این نامه از لینک و پلتفرم تعاملی صحبت کرده‌اند که مدرک‌های جمع‌آوری‌شده از نسل‌کشی را منتشر کرده. «دست‌کم سه نهاد سازمان ملل متحد، به‌علاوه غفوبین الملل، دیده‌بان حقوق بشر، پزشکان بدون مرز و بسیاری دیگر، اقدامات اسرائیل در غزه را نسل‌کشی توصیف کرده‌اند. شاید قطعی‌ترین مدرک جمع‌آوری‌شده، گزارش ۸۰۰ صفحه‌ای و پلتفرم دیجیتال تعاملی باشد که توسط کارشناسان Forensic Architecture تهیه شده است.» این سینماگر قدیمی در جمله‌ای اعتراضی در ادامه نامه نوشته است: «دیگر نمی‌توان ادعا کرد که ما نمی‌دانستیم و در ادامه، پیامدهای آن است.» اشاره به کنوانسیون نسل‌کشی و نقض آن در جریان جنایات اسرائیل از دیگر بخش‌های این نامه است که از پامال‌شدن کامل حقوق بشر خبر داده. لوچ و لاورتی در ادامه این نامه، توجه سینماگران را به اهمیت جشنواره کن و حتی مسائلی که در جریان حرکت انقلابی سال ۱۹۶۸ توسط کارگران و دانشجویان در فرانسه اتفاق افتاده بود، جلب کرده‌اند: «طی مدت کوتاه چندروز، توجه جهان به کن معطوف خواهد شد، زیرا فیلمسازانی از کشورهای مختلف تمام تلاش خود را می‌کنند تا جهان را از اتفاقات اطرافشان آگاه کنند. کن، بنیان‌گذار سنت مشارکت در امور امروزه است و برخی هنوز خاطرات روشنی از وقایع سال ۱۹۶۸ دارند.» جریانی که در ادامه آن، کن متوقف شد تا مسائل سیاسی جامعه حل شود.

در جشنواره کن امسال، سه فیلم با موضوع غزه حضور دارد: «روزی روزگاری در غزه»، «پاسپورت» و «روح‌را در دست بگیر و قدم بزن». آن دو فیلم دیگر در روزهای آینده اکران خواهند شد و احتمالاً جریانی که در پی اکران فیلم سپید فارسی پیش آمده و موضوع دو فیلم دیگر که آنها هم به جنایات صهیونیست‌ها در غزه اشاره دارند، باید همچنان منتظر واکنش‌های بیشتر درباره این جنایت و نسل‌کشی باشیم.

چهره

درگذشت خراسان‌شناس معاصر

زنده‌یاد قدرت‌الله روشنی زعفرانلو، از مترجمان و خراسان‌شناسان معاصر ایران، در سال ۱۳۱۲ در روستای پرتان اسفراین به دنیا آمد. روشنی، تحصیلات ابتدایی را در اسفراین و دوره متوسطه را در مشهد تمام کرد و در دانشگاه تهران به تحصیل در رشته زبان انگلیسی پرداخت. او سپس در اداره انتشارات و روابط فرهنگی دانشگاه تهران شروع به کار کرد و از سال ۱۳۴۷ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران در پست معاونت مشغول شد. روشنی در کنار مشاغل اداری، به ترجمه از زبان انگلیسی کوششی تمام داشت. او با دو مجله «راهنمای کتاب» و «آینده» همکاری مستمر می‌کرد و مقالات ارزنده‌ای را در آن‌ها به چاپ رساند. روشنی براساس علاقه‌ای که به زادگاه خود داشت، اسفراین‌شناسی و خراسان‌شناسی را آغاز کرد و در این راستا کتاب‌ها و مقالات پرباری به چاپ رساند. از جمله کتاب‌ها و ترجمه‌های چاپ و منتشرشده او می‌توان به «سه سفرنامه: هرات، مرو، مشهد» انتشارات دانشگاه تهران (۱۳۴۷) و «سفرنامه خراسان و سیستان» تألیف کلنل چارلز ادوارد بیت، با ترجمه قدرت‌الله روشنی و مهرداد رهبری (۱۳۶۵) اشاره کرد. روشنی زعفرانلو جمعه ۲۶ اردیبهشت‌ماه چشم‌بر جهان فرو بست.



کتابخانه

داستان هر انسان دورافتاده از وطن

«روایت بازگشت» به قلم هُشام مطر، با ترجمه مژده دقیقی در ۳۴۱ صفحه و با قیمت ۲۸۵ هزار تومان توسط نشر نیلوفر منتشر شد. «روایت بازگشت» زندگی‌نامه‌ای است که در سال ۲۰۱۷ موفق به دریافت جایزه پولیتزر در دسته‌بندی بیوگرافی و اتوبیوگرافی شد. هُشام مطر، نویسنده آمریکایی-لیبایی دیگر این اثر «پدران، پسران و سرزمین میان‌شان» است. او در سال ۲۰۱۲ به امید یافتن نشانه‌ای از پدرش؛ از مخالفان سیاسی معمر قذافی، رهبر وقت لیبی که به‌شکل عجیبی ربوده شده بود، به وطنش لیبی سفر کرد و وقایع سفرش را در قالب داستانی هیجان‌انگیز و معمایی در این کتاب نوشت. مطر در این کتاب تنها داستان سفرش را تعریف نمی‌کند، بلکه وضعیت مردم لیبی را هم بررسی می‌کند. او جامعه‌ای را می‌کاود که سال‌ها زیر سلطه دیکتاتوری بی‌رحم زجر کشیده است و حتی بعد از سرنگونی دیکتاتور هنوز با تبعات آن دست‌وپنجه نرم می‌کند.



روایت بازگشت
نویسنده: هُشام مطر
مترجم: مژده دقیقی
انتشارات: نیلوفر

تاریخ

روز جهانی موزه و میراث فرهنگی



در سال ۱۹۷۷ میلادی، کمیته بین‌المللی موزه‌ها (ICOM)، روز ۱۸ مه مصادف با ۲۸ اردیبهشت‌ماه را به‌عنوان روز جهانی موزه و میراث فرهنگی نام‌گذاری کرد و هر سال در چنین روزی، مراسمی

با هدف تبیین نقش موزه‌ها در حفظ میراث جامعه بشری در سراسر جهان برگزار می‌شود. در اغلب تاریخ‌ها، ریشه موزه به کشور یونان و تپه‌ای در آتن بازمی‌گردد. طبق این روایت، ژوپیتر که یکی از خدایان یونان باستان بود، دخترانی با لقب میوز داشت که الهه‌های ادبیات و موسیقی بودند. آنها هنر را رواج می‌دادند و به انسان‌ها کمک می‌کردند تا خلاقیت هنری خود را به نمایش بگذارند. بدین ترتیب معبد خدایان هنر شعر و موسیقی که بر فراز تپه‌ای در آتن قرار داشت، نخستین موزه‌ای است که در تاریخ موزه‌ها از آن نام برده می‌شود. موزه آشمولین در شهر آکسفورد نیز نخستین موزه‌ای است که آثار مشرق‌زمین را به نمایش گذاشته است. هرسال شعاری نیز برای این روز انتخاب می‌شود. شعار سال ۲۰۲۵: «آینده موزه‌ها در جوامع به‌سرعت در حال تغییر» نام گرفته تا نقش موزه‌ها را در تحولات اجتماعی بر جسته کند.